

بیمه ریسک‌های موجود در پروژه‌های نفتی

احمد مؤمنی‌راد^۱، مصطفی مداحی‌نسب^{۲*}

۱. استادیار گروه حقوق عمومی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

۲. دانشجوی دکتری حقوق نفت و گاز دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۴/۳۰؛ تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۶/۲۱)

چکیده

صنعت نفت از صنایع ریسکی است. نفت و گاز از یک سو سرمایه ملی کشورهاست و از سوی دیگر شرکت‌های نفتی معمولاً با انعقاد قراردادهایی که ریسک را بر دوش شرکت نفتی می‌گذارند وارد این صنعت می‌شوند، بنابراین هر دو طرف نیاز به پوشش بیمه دارند تا در صورت ایراد خسارت بیمه تا حدودی خسارات را جبران کند. مخاطرات در این پروژه‌ها در واقع هر دو طرف را تهدید می‌کند؛ کارفرما نگران آسیب‌های زیست‌محیطی، خسارات وارد به کارکنان و اشخاص ثالث و مخزن است و پیمانکار نگران از دست دادن سرمایه کلانی است که برای پروژه صرف کرده است. سؤالی که مطرح می‌شود این است که ریسک‌های این صنعت کدام‌اند؟ و کدام‌ها قابلیت بیمه شدن دارند؟ و چه پوشش‌های بیمه‌ای و به چه نحو برای این ریسک‌ها گرفته می‌شوند؟ در این پژوهش ابتدا ریسک‌های موجود در پروژه‌های صنعت نفت بررسی و دسته‌بندی شده‌اند، سپس بیمه‌پذیری و پوشش بیمه در موارد قابل بیمه و جایگاه آن‌ها در صنعت نفت، همچنین تعهدات پیمانکار در این زمینه تبیین شده است.

واژگان کلیدی

بیمه، پیمانکار، خسارت، ریسک، صنعت نفت و گاز، کارفرما، قراردادهای نفتی.

* . E-mail: mostafamn1990@gmail.com

مقدمه

همواره یکی از نیازها و دغدغه‌های بشر حفظ داشته‌ها، دارایی‌ها و سرمایه‌اش بوده است. انسان‌ها همواره به امنیت و قرارگرفتن در موقعیت امن مایل بوده‌اند و از خطرهایی که جان و مالشان را تهدید می‌کند بیم دارند. برای گریز از این ترس و هراس‌ها و رسیدن به آرامش و امنیت راهکارهایی استفاده شده که از متمدنانه‌ترین آن‌ها بیمه است. بیمه در زبان فارسی از واژه بیم مشتق شده است (بابایی، ۱۳۸۸: ۵).

بیمه عقدی است که به موجب آن یک طرف (بیمه‌گر) تعهد می‌کند در ازای پرداخت وجه یا وجوهی از طرف دیگر (بیمه‌گذار) در صورت بروز حادثه، خسارت وارد بر او را جبران کند یا وجه معینی بپردازد، اما نکته مهمی که بایستی به آن توجه داشت این است که تعهد بیمه‌گر صرفاً پرداخت مبلغ معینی نیست، بلکه تعهد اصلی و مبنایی او تأمین مالی بیمه‌گذار است و در واقع نقش اصلی بیمه تأمین مالی است (همان: ۱۹).

بیمه برای اولین بار در قرن پانزدهم میلادی در زمینه حمل و نقل دریایی کالا در ایتالیا ظهور کرد، بعدها بیمه حوادث غیردریایی برای اولین بار در قرن هفدهم در انگلستان شکل گرفت (همان: ۷).

در اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی بیمه‌گران خصوصی وارد بازار شدند که از جمله پیشگامان آن‌ها بیمه لویدز^۱ در لندن و بیمه گروه بین‌المللی امریکایی^۲ در نیویورک بودند. این بیمه‌های خصوصی بین‌المللی ابتدا با هدف بسط و توسعه انواع سنتی بیمه دریایی ایجاد شدند (دالزر، ۱۳۹۱: ۳۳۱)، اما بعدها برای کسب سود بیشتر به سمت سایر بیمه‌های گوناگون سرمایه‌گذاری‌ها از جمله در زمینه نفت و گاز سوق یافتند.

از سالیان پیش کارفرمایان و پیمانکاران تلاش کرده‌اند به شیوه‌های گوناگون مخاطراتی را که متوجه فعالیت‌هایشان است کاهش دهند یا آن‌ها را مدیریت کنند، یکی از این روش‌ها بیمه است. بیمه در واقع روشی است که از طریق آن ریسک‌ها مدیریت می‌شوند و ریسک تحمل ضرر و خسارت در ازای پرداخت حق بیمه به شخص دیگری منتقل می‌شود (شیروی، ۱۳۹۱: ۳۶۹).

1. Lloyds insurance
2. American International Group (AIG)

به طور کلی بیمه و ریسک رابطه مستقیمی با یکدیگر دارند. در یک پروژه مانند پروژه‌های نفت و گاز ریسک‌های گوناگونی وجود دارند؛ در یک تقسیم‌بندی این ریسک‌ها به ریسک‌های درونی (مربوط به خود پروژه و عملیات آن) و بیرونی (بیرون از پروژه و عملیات آن) تقسیم می‌شوند (Zhi, 1995: 231).

به عبارت دیگر، برخی ریسک‌های پروژه‌های نفت و گاز مخصوص ماهیت خود پروژه و برخی از آن‌ها به نظام اقتصادی، حقوقی و سیاسی وابسته‌اند. برای مثال، در سرمایه‌گذاری برای حفر چاه نفت نرخ بازگشت سرمایه موردنظر، به ارزش میزان نفت کشف شده بستگی دارد که در ارزش‌گذاری آن عواملی مانند میزان نفت قابل استحصال، هزینه استخراج و قیمت جهانی نفت دخیل‌اند. در این موارد برای مثال میزان نفت قابل استحصال به عوامل زمین‌شناسی بستگی دارد و این پدیده مربوط به ریسک درونی و خاص پروژه است. این در حالی است که قیمت بازار به شرایط عرضه و تقاضا در نظام اقتصادی بستگی دارد که یک ریسک بیرونی را تشکیل می‌دهد (امانی، ۱۳۸۹: ۱۳۶) (Zhi, 1995: 232).

طرح‌ها و پروژه‌های صنایع بالادستی نفت به دلیل حاکمیت عناصر نامطمئن و نامعین متعدد، از مرحله اکتشاف گرفته تا تولید و بهره‌برداری از ریسک‌های زیادی برخوردارند. برخی از ریسک‌ها از کنترل و اراده سرمایه‌گذار خارج‌اند، برای اجتناب از این نوسان‌های غیرمنتظره می‌توان این ریسک‌ها را پوشش داد و از قرارداد بیمه بهره‌گرفت که بین عوامل بنگاه و آحاد اقتصادی خارج از بنگاه به وجود می‌آید که طی آن‌ها طرف ریسک‌گریز (سرمایه‌گذار) با پرداخت مبالغی به طرف ریسک‌پذیر (بیمه‌کننده) از وی تضمینی مبنی بر پوشش‌دهی ریسک می‌گیرد (عباس‌زاده، ۱۳۸۶: ۶۰).

همچنین، پاره‌ای از ریسک‌های دیگر، به‌ویژه ریسک بازار و ریسک‌های ناشی از نوسان‌های ناخواسته متغیرهای کلان اقتصادی همچون نرخ بهره و ارز که اساساً رفع یا کنترل آن‌ها خارج از محدوده عمل شرکت سرمایه‌گذار است، با پرداخت حق بیمه به شرکت بیمه قابل انتقال خواهد بود. لذا در طرح‌های بزرگ سرمایه‌گذاری نظیر طرح‌های نفت و گاز، حضور یک شرکت بیمه‌گر ضروری است (همان: ۶۲). پس بیمه به‌منزله یک ابزار مالی برای مقابله با نتایج ریسک‌ها به کار گرفته می‌شود.

بایستی توجه داشت که شرکت‌های بیمه هر ریسکی را بیمه نمی‌کنند و قبل از بیمه‌کردن در مورد آن مطالعه و تحقیق می‌کنند تا مطمئن شوند بیمه‌کردن چنان ریسکی برایشان صرف می‌کند و در صورت وقوع حادثه در مورد آن شرکت بیمه‌گر می‌تواند چنان خسارتی را جبران کند یا اینکه ابعاد خسارت تا حدی گسترده است که پرداخت خسارت به ذی‌نفع برای شرکت بیمه مقدر نیست، به این مورد به اصطلاح بیمه‌پذیری^۱ ریسک می‌گویند که در مبحث دوم این مقاله تبیین می‌شود و برای اینکه بدانیم چه ریسک‌هایی بیمه‌پذیرند معیار مناسبی ارائه خواهد شد.

این پژوهش به دنبال پاسخ به سؤال‌های زیر است:

۱. جایگاه بیمه در صنعت نفت و گاز چیست؟
 ۲. ریسک‌ها در پروژه‌های نفت و گاز به چه ریسک‌هایی گفته می‌شوند؟ و اینکه آیا قابلیت بیمه‌شدن دارند؟ پوشش بیمه‌ای مناسب برای ریسک‌های بیمه‌پذیر چیست؟
 ۳. تعهدات پیمانکار در بیمه‌های موجود در صنعت نفت و گاز چیست؟
- در این پژوهش نظری که به روش تحلیلی-توصیفی و روش گردآوری کتابخانه‌ای صورت گرفته است بیمه ریسک‌های پروژه‌های نفتی در کنار مباحثی از بیمه در صنعت نفت و گاز بررسی می‌شود. از این رو در مبحث نخست ریسک‌های موجود در صنعت نفت و گاز بررسی و دسته‌بندی می‌شوند و بیمه‌پذیری این ریسک‌ها در کنار پوشش بیمه‌ای مناسب برای آن‌ها معرفی می‌شود. در مبحث چهارم نیز تعهدات پیمانکار و منشأ آن برای به کارگیری بیمه بررسی می‌شود. در پایان از مباحث طرح شده نتیجه‌گیری به عمل خواهد آمد و به سؤال‌های مزبور پاسخ داده خواهد شد.

مبحث اول: ریسک‌ها و خطرهای موجود در صنعت نفت و گاز

چنانکه گفته شد ریسک‌های پروژه‌های نفت و گاز می‌توانند به بیرونی و درونی دسته‌بندی شوند. منظور از ریسک‌های درونی ریسک‌هایی است که در بطن خود پروژه و عملیات مربوط به آن رخ می‌دهند مانند ریسک اکتشاف، ریسک‌های مربوط به حفاری و توسعه میادین نفت و گاز. منظور از ریسک‌های بیرونی ریسک‌هایی است که خارج از پروژه و عملیات آن وجود دارند مانند ریسک‌های سیاسی، اقتصادی و تجاری. منشأ پاره‌ای

از این نوسان‌های غیرمنتظره عوامل محیطی (عوامل بیرونی تأثیرگذار در فعالیت‌های اقتصادی بنگاه) ممکن است چندان شناخته شده نباشند. البته این ناآگاهی اساساً چندان مهم نیست، زیرا رفع یا کنترل آن‌ها دست سرمایه‌گذار نیست، اما در هر حال برای اجتناب از اثر سوء این نوسان‌های غیرمنتظره محیطی می‌توان این ریسک‌ها را پوشش داد (حسن‌زاده، ۱۳۸۳: ۶۰).

گفتار اول: ریسک‌های درونی

ریسک‌های درونی اغلب در بخش بالادستی رخ می‌دهند و این بخش از پروژه‌های بالادستی اصولاً ماهیت پرمخاطره‌ای دارند. صنعت بالادستی نفت دارای بخش‌های مختلفی است که در همه آن‌ها خطرهایی متوجه کارکنان، تجهیزات و سرمایه‌های سرمایه‌گذاران است. این بخش‌ها شامل:

الف) مرحله تحقیق و اکتشاف: از آنجا که نفت منبعی زیرزمینی است اکتشاف آن بسیار دشوار و پرهزینه است. معمولاً اکتشاف به دو روش ژئوفیزیکی و ژئوشیمیایی تقسیم می‌شود. با شناخت لایه‌های نفت، از فرایندهای تجمع مواد آلی، تخمین حجم منبع و نظایر آن با استفاده از روش‌های خاص، اقتصادی بودن یا به‌صرفه نبودن استخراج تخمین زده می‌شود.

با شیوه ژئوفیزیک تنها ۶۰ درصد و با شیوه ژئوشیمی تنها ۷۰ درصد امکان برآورد صحیح وجود دارد (پیکارجو، ۱۳۷۸: ۴۷).

معمولاً تجهیزات لازم برای انجام تحقیقات زمین‌شناسی و فرایند آن از قبیل تحقیقات زلزله‌شناسی^۱ بسیار گران‌قیمت‌اند و وارد شدن خسارت به این موارد برای پیمانکار بسیار سنگین خواهد بود؛ از طرف دیگر، بعد از همه اقدامات لازم مانند تحقیقات زمین‌شناسی و زلزله‌شناسی و در نهایت حفر چاه اکتشافی اگر هدف اکتشاف محقق نشود نیز هزینه کلانی است که بر دوش پیمانکار گذاشته می‌شود بدون اینکه فایده‌ای از آن حاصل شده باشد. در چنین مواردی یک پوشش بیمه مناسب می‌تواند بسیار سودمند باشد و خیال پیمانکار را راحت کند. اما در عمل رویه‌ای که صورت می‌گیرد این است که به دلیل گران بودن حق

بیمه شرکت‌های بیمه‌گر در این زمینه‌ها، پیمانکاران معمولاً ترجیح می‌دهند چنین مواردی را بیمه نکنند و ریسک این خطرها را به عهده بگیرند و در عوض در انجام فعالیتشان نهایت دقت را به خرج دهند تا از بروز خسارت جلوگیری شود (همو، ۱۳۸۲: ۸۲).

ب) مرحله حفاری تا بهره‌برداری: مرحله حفاری بعد از اکتشاف صورت می‌گیرد. در این مرحله از وسایل حفاری که بسیار استهلاک‌پذیر و گران‌قیمت است استفاده می‌شود (مانند مترهای مخصوص، میله‌هایی با آلیاژهای بسیار کمیاب، گل حفاری و ...). مواردی مانند حفر چاه تا چندین کیلومتری زمین، کنترل فشار مخزن، نصب شیرهای سرچاهی و آماده‌کردن چاه به قدری ریسک بالایی دارند که استفاده از بیمه‌های مناسب امری ضروری به شمار می‌رود.

ج) مرحله تولید و بهره‌برداری: بهره‌برداری از زمانی آغاز می‌شود که سیال نفتی از تمام جهات مخزن به طرف چاه حفر شده، جریان می‌یابد. برای تحقق امر تولید، ارزیابی‌های اقتصادی بهره‌برداری از چاه، محاسبات دقیق ثابت بودن فشار مخزن و ... اهمیت بسیاری دارد. از آنجا که احتمال خطا در مواردی مانند محاسبه دقیق انبساط سیال، برآورد جابه‌جایی سیال، تخلیه و ریزش ثقلی و مواردی از این قبیل وجود دارد و ممکن است خطرهایی در پی داشته باشد، بنابراین نمی‌توان از پوشش بیمه‌های مهندسی چشم پوشید (همو، ۱۳۷۸: ۴۸).

گفتار دوم: ریسک‌های بیرونی

در این بخش به بعضی ریسک‌هایی که ناشی از عوامل بیرونی اند نگاهی اجمالی خواهیم داشت:

الف) ریسک سیاسی: این ریسک از تحولاتی ناشی می‌شود که به وسیله تصمیم دولت‌ها پدید آمده است و به شکل‌های گوناگون سرمایه‌گذاری را با مشکل روبه‌رو می‌کند. هنگامی که این تغییرها از ناحیه مراجع حقوقی، قضایی یا ادارات دولتی باشند، صرف‌نظر از اینکه آیا منافع سیاسی یا اقتصادی در پشت صحنه وجود دارند، ریسک به وجود آمده ریسک سیاسی نامیده می‌شود. تغییرهای قوانین از جمله قوانین مالیات و قوانین مربوط به صادرات و واردات به ریسک سیاسی می‌انجامد. افزون بر حادثه‌های اجتماعی و سیاسی از جمله انتخابات، انقلاب، جنگ، شورش‌ها و اعتصاب‌های گوناگون، به تناسب در ریسک

سرمایه‌گذاری اثر می‌گذارند (راعی، ۱۳۸۷: ۴۶). از جمله مشهورترین ریسک‌های سیاسی ملی کردن و مصادره سرمایه‌گذاری‌هاست. در خصوص منابع نفت و گاز که از طرفی به دلیل اهمیت استراتژیکی که برای کشورهای توسعه‌یافته و از طرف دیگر به دلیل نقش مهمی که در اقتصاد کشورهای در حال توسعه دارند و اکثر این کشورها اقتصادی وابسته به نفت دارند، ریسک سیاسی ناشی از ملی کردن و مصادره اهمیت و حساسیت بیشتری می‌یابد.

حقوق دانان و اقتصاددانان در بحث سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای در حال توسعه همواره از منظر حقوق مالکیتی نگاه کرده‌اند و بر این نظرند که باید از حقوق مالکیتی حمایت قوی صورت گیرد تا سرمایه‌گذاران خارجی به سرمایه‌گذاری در این کشورها تشویق شوند (Mayeda, 2007: 273). این حمایت‌ها امروزه به دو شکل عمده ارائه شده‌اند. در وهله نخست از طریق منع کردن سلب مالکیت غیرمشروع در قوانین ملی و معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری^۱ بین کشورها این حمایت ارائه شده است. برای مثال، در ماده ۹ قانون حمایت و تشویق سرمایه‌گذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران، شرایطی برای سلب مالکیت و ملی کردن در نظر گرفته شده که ملی کردن صرفاً در ظرف این شرایط قابل قبول است. این شرایط عبارت‌اند از: برای منافع عمومی، به موجب فرایند قانونی، به روش غیرتبعیض‌آمیز و در مقابل پرداخت مناسب غرامت به مأخذ ارزش واقعی آن سرمایه‌گذاری بلافاصله قبل از سلب مالکیت، باشد (علیدوستی، ۱۳۸۶، ۵۲). در شکل دوم مقابله با ریسک‌ها و مخاطرات سیاسی بانک تجارت جهانی در سال ۱۹۸۵ بیمه میگا را ایجاد کرد که در مبحث مربوط به آن بررسی خواهد شد.

ب) ریسک قانون‌گذاری: چارچوب وضع قانون در کشور میزبان و احتمال بی‌ثباتی قوانین در آن کشور می‌تواند در جذب سرمایه‌گذاری خارجی در پروژه‌های نفتی اثر گذارد. به عبارت دیگر، به هر میزان شفافیت در وضع قوانین مرتبط با صنعت نفت افزایش یابد به همان میزان سرمایه‌گذاری خارجی در پروژه‌های نفتی افزایش خواهد یافت. زمانی

1. Bilateral Investment Treaty (BIT)

سرمایه‌گذار یا شرکت نفتی خارجی حاضر به سرمایه‌گذاری می‌شود که ریسک‌های مرتبط با تغییر قوانین کم یا چشم‌انداز تغییر یا اصلاح قوانین مرتبط شفاف باشد.

برای کاهش ریسک‌های اقتصادی و مالی دولت میزبان، استفاده از سرمایه‌های خارجی امری عقلانی خواهد بود. به همین منظور، قوانین باید مبتنی بر کارایی، ارتقای سطح امنیت و مطابق با معاهدات بین‌المللی در زمینه سرمایه‌گذاری خارجی باشند و تغییر آن‌ها نیز در بستری کاملاً شفاف صورت گیرد (پدرام، ۱۳۹۲: ۱۲۱).

ج) ریسک تجاری و اقتصادی: این‌گونه ریسک اساساً ناشی از نوسان‌های ناخواسته و متغیرهای کلان اقتصادی مربوط با فعالیت‌های مالی و تبدیل درآمد محلی به ارز خارجی در خصوص شرکت بهره‌بردار طرح زیربنایی است. مبنای چنین ریسکی به نظام عرضه و تقاضا و بازار برمی‌گردد، اما اگر نوسان‌های تجاری، پولی و اقتصادی به طور مستقیم ناشی از تصمیم دولت باشند، ریسک حاصل شده در دسته‌بندی ریسک‌های سیاسی خواهد بود و دیگر ریسک تجاری و اقتصادی محض نخواهد بود. در واقع ریسک تجاری، زیان ناشی از نبود اطمینان در خصوص ارزش اقتصادی است که نمی‌تواند با توجه به بازار ارزیابی شود.

ریسک اقتصادی نیز ناظر به وضعیت‌های اقتصاد کشوری است که سرمایه‌گذاری در پروژه نفت و گاز در آن کشور صورت گرفته است. برای مثال، تورم فزاینده در نظام اقتصادی موجب بالابردن متغیرهای ریسک برای سرمایه‌گذاری خواهد بود، زیرا سبب افزایش هزینه‌های شرکت سرمایه‌گذار خواهد شد.

مبحث دوم: بیمه‌پذیری ریسک‌ها

چنان‌که بیان شد ریسک‌های زیادی در صنعت نفت وجود دارند که اگر هر کدام از آن‌ها حادثه‌ای ایجاد کند، به طور حتم خسارات زیادی به بار می‌آورد. طرفین قرارداد نفت و گاز (کارفرما و پیمانکار) در مواجهه با این ریسک‌ها معمولاً دو رویکرد و روش را پیش می‌گیرند: ۱. مدیریت و توزیع ریسک بین یکدیگر و ۲. بیمه‌کردن این ریسک‌ها و مخاطرات (Osmundsen, 2008: 137).

لذا ریسک‌ها باید یا بین طرفین قرارداد نفتی تقسیم شوند یا به شخص ثالث یعنی بیمه‌گر انتقال یابند. بیمه‌گران و شرکت‌های بیمه به خصوص در مورد پروژه‌های سنگین

مانند پروژه‌های نفتی همواره قبل از بیمه کردن و به‌عهدده گرفتن ریسک‌ها برای خود استراتژی‌هایی را مدنظر قرار می‌دهند و هر ریسکی را بیمه نمی‌کنند، زیرا ممکن است وقوع خسارت در خصوص بعضی ریسک‌ها چنان فاجعه‌انگیز باشد که سبب ورشکستگی شرکت بیمه‌کننده آن شود. برای مثال، در ایالات متحده آمریکا در دهه ۱۹۹۰ بسیاری از شرکت‌های بیمه، پیرو ضرر کلانی که از بابت بیمه کردن خسارات ناشی فجایع طبیعی دیدند، ترجیح دادند که بازار ریسک پرخطر را رها کنند. در واقع بیمه‌گران در برابر بازارهای با ریسک سنگین، استراتژی بیمه‌ای طراحی می‌کنند که این استراتژی براساس عناصری مانند پیچیدگی‌های پروژه، احتمالات و نبود اطمینان‌های چندبعدی طراحی می‌شود که در پروژه و ریسک‌های مختلف آن موجود است (Amendola, 2000, 381).

از این رو موضوع بیمه‌پذیری ریسک‌ها مطرح می‌شود؛ یعنی اینکه اصولاً می‌توان ریسک‌های بیمه‌گذار را بیمه کرد یا بیمه کردن چنان ریسکی برای شرکت بیمه معقول نیست. برای اینکه مشخص شود ریسک موردنظر بیمه‌پذیر است، دو مورد لازم است که مشخص شود؛ نخست اینکه بیمه‌گر بتواند تا حد قابل قبولی احتمال وقوع خسارت در خصوص ریسک پیشنهادشده و تخمینی از میزان خسارت در صورت وقوع خسارت به دست آورد. یعنی در واقع بیمه‌گر بایستی بتواند تا حد قابل قبولی خسارت احتمالی ناشی از ریسک را کیفی سازی و کمی سازی کند. مورد دوم برای تشخیص بیمه‌پذیری نیز این است که بیمه‌گر بتواند با توجه به تخمینی که از کیفی سازی و کمی سازی خسارت به دست آورده است حق بیمه^۱ مناسب برای آن ریسک تعیین کند تا بیمه‌گذار بپردازد (Kunreuther, 2007: 1810). در واقع برای رسیدن به شرط دوم بایستی از قبل شرط اول مهیا شده باشد، با تحقق این دو شرط می‌توان گفت ریسک موردنظر بیمه‌پذیر است.

گاهی بیمه‌ناپذیری ریسک‌ها به دلیل ابهام و نبود اطمینان شدید در مورد آن است که سبب می‌شود بیمه‌گر نتواند بر مبنای دانش فنی و تجربه و تکرار در مورد چنان ریسکی به دو شرط بیان‌شده برسد. گاهی نیز ریسک ممکن است احتمال کمی برای وقوع داشته

باشد، اما در صورت وقوع خسارت کلان و غیر قابل تخمینی را رقم بزند که این عامل نیز سبب می‌شود نتوان به معیارها و فاکتورهای لازم برای تشخیص بیمه‌پذیری ریسک دست یافت (Gollier, 1997: 180- 181).

در پروژه‌های نفت و گاز به‌رغم اینکه بسیاری از ریسک‌ها بیمه‌پذیرند، تعدادی از ریسک‌ها وجود دارند که نمی‌توان در مورد آن‌ها دو عامل لازم برای بیمه‌پذیر بودن، یعنی تخمین کیفیت و کمیت خسارت و تعیین حق بیمه‌پرداختی را احراز کرد. برای مثال، می‌توان ریسک از دست دادن مخزن نفتی را یادآور شد. امروزه در قراردادهای نفتی ریسک از دست دادن مخزن را به بیمه‌گر واگذار نمی‌کنند، بلکه در این قراردادها چنین ریسکی بین طرفین قرارداد تقسیم می‌شود و شرکت‌های بیمه‌گر معمولاً چنین ریسکی را نمی‌پذیرند و زیربار چنین ریسکی نمی‌روند. زیرا ریسک مخزن با در نظر گرفتن تخصص و تجربه بالای شرکت‌های بین‌المللی نفتی دخیل در پروژه کمتر ممکن است به وقوع خسارتی مانند از دست رفتن مخزن منجر شود، اما باز هم درصد احتمال آن صفر نیست و در صورت وقوع حادثه و خسارت در این مورد میزان خسارت آن قدر بالاست که شرکت‌های بیمه ترجیح می‌دهند بیمه کردن چنین ریسکی را به عهده نگیرند. از طرفی در خصوص چنین ریسکی عدم قطعیت‌ها و ابهام‌ها نیز سبب می‌شوند که شرکت‌های بیمه نتوانند کمیت و کیفیت ریسک و میزان حق بیمه‌پرداختی را مشخص کنند. لذا این عوامل سبب می‌شود ریسک مخزن بیمه‌پذیر تلقی نشود. ریسک آلودگی‌های شدید محیط زیستی نیز از جمله ریسک‌هایی است که می‌تواند خسارات کلان و غیرقابل تخمینی را به بار آورد و از این حیث این ریسک نیز معمولاً در پروژه‌های نفتی بیمه‌پذیر نیست. برای مثال، در سال ۲۰۱۰ حادثه نشت نفت در خلیج مکزیک در اثر انفجار سکوی نفتی دیپ واتر هورایزون آن چنان خساراتی به بار آورد که اگر دولت امریکا واقعاً جبران تمامی آن‌ها از جمله خسارات وارد شده به محیط زیست را از شرکت نفتی بی‌پی می‌خواست سبب ورشکستگی این شرکت می‌شد و هنوز هم به طور قطع و تمام مشخص نشده است که میزان خسارت وارد شده به محیط زیست در این حادثه چقدر بوده است.

ریسک مخزن و ریسک آلودگی‌های شدید محیط زیستی دو نمونه کلی از ریسک‌های بیمه‌ناپذیر صنعت نفت به شمار می‌روند. برای سایر ریسک‌های موجود در یک پروژه به طور خاص بایستی با معیاری که در بالا ارائه شد (احراز کیفیت و کمیت خسارات احتمالی و تعیین حق بیمه بر مبنای آن) سنجید که آیا در یک پروژه ریسک‌های مختلف بیمه‌پذیرند یا خیر؟ کاری که به طور معمول شرکت‌های بیمه‌گر در خصوص ریسک‌ها انجام می‌دهند و بر مبنای آن استراتژی بیمه خود را مشخص می‌کنند.

مبحث سوم: پوشش‌های بیمه قابل اعمال

در مبحث قبل بیمه‌پذیری و معیار آن بیان و گفته شد که بیمه‌گران ریسک‌هایی که در صورت وقوع حادثه در آن‌ها خسارات هنگفت و غیر قابل ارزیابی به بار می‌آورد را بیمه نمی‌کنند، اما نسبت به ریسک‌هایی که میزان قابل تخمینی خسارت به بار می‌آورند، پوشش بیمه خواهند داد. در این مبحث پوشش‌های بیمه بیان خواهند شد.

البته بیشتر این بیمه‌ها مختص صنعت نفت نیستند و در دیگر صنایع نیز کاربرد دارند، از جمله مهم‌ترین آن‌ها:

الف) بیمه تمام خطر پیمانکاری: این بیمه‌نامه تمام ریسک‌های مقاطعه‌کاری اعم از مهندسی طراحی و ساخت تجهیزات و تأسیسات را شامل می‌شود. بیمه‌نامه بسته به نوع قرارداد می‌تواند متفاوت باشد. برای مثال، در قراردادهایی که ساختمانی‌اند ریسک‌های تحت پوشش نسبت به قراردادهای مهندسی، ساخت و تجهیزات کمتر خواهند بود؛ زیرا در قراردادهای نوع دوم ریسک خرید کالا و طراحی و مهندسی وجود دارد که نوع اول فاقد این موارد است. اگرچه نام این بیمه‌نامه تمام خطر پیمانکار است، اما این به معنای آن نیست که استثنا وجود ندارد و همه ریسک‌های پیمانکار از جمله خطر آشوب و جنگ یا خطر سرمایه‌گذاری در قراردادهای دارای تأمین مالی را نیز پوشش می‌دهد؛ بلکه پوشش این نوع بیمه‌نامه بیشتر به موارد فنی و مهندسی معطوف است و برای تحت پوشش درآوردن ریسک‌های بیشتر بیمه‌گذار یا باید مبالغ اضافه‌ای بپردازد یا در کنار این بیمه‌نامه از سایر بیمه‌نامه‌ها نیز استفاده کند (ساکای زاده، ۱۳۹۲: ۲۹). همچنین شایان یادآوری است که این بیمه شامل خسارات غیرمستقیم و فرسودگی و کهنگی معمول است که در روند

استفاده متعارف به وجود می‌آید و بیمه اشخاص یا اموال ثالث نیست (شیروی، ۱۳۹۱: ۳۸۷-۳۸۸).

ب) بیمه تمام خطر نصب: این بیمه‌نامه شامل همه ریسک‌های دوره نصب و شروع آزمایشی تجهیزات است. همان‌گونه که از نام بیمه‌نامه مشخص است به اجزای یک پروژه مربوط است که نصب در آن موضوعیت دارد. بنابراین، عمده تجهیزات سرچاهی که مستقل‌اند یا نصب پیچیده‌ای ندارند تحت پوشش این بیمه‌نامه در نمی‌آیند و باید از بیمه‌نامه مناسب دیگری استفاده شود (ساکی‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۹).

ج) بیمه ماشین‌آلات و تجهیزات پیمانکاری: این بیمه‌نامه شامل همه ریسک‌های تأسیسات و کالا یا نظایر آن‌ها از قبیل کامیون‌ها، جرثقیل‌ها، بارها و بولدوزرها می‌شود. این بیمه‌نامه برای بسیاری از کالاها و ماشین‌آلات مناسب است، اما به‌ویژه در مواردی که موضوع پروژه پیمانکاری، زیرپروژه یا مواردی است که این تجهیزات به شکل موقت در محل پروژه به کار مشغول‌اند یا اغلب ریسک‌های مربوط به مسئولیت پیمانکار یا مالک بدون توجه به ریسک‌های ماشین‌آلات این بیمه‌نامه پوشش کاملی نیست (همان).

د) بیمه عدم‌النفع: این بیمه‌نامه شامل ریسک‌های سرمایه‌گذاری انجام‌شده و عدم‌النفع مورد انتظار یا تأخیر در حصول درآمد متوقع به دلیل تأخیر در شروع و اتمام پروژه‌های مهندسی و ساخت در قراردادهای پیمانکاری است. بیمه‌نامه عدم‌النفع هم نمی‌تواند پوشش کاملی برای این صنعت باشد. هرچند در قراردادهای یا پروژه‌های بزرگ، انگیزه مهم سرمایه‌گذاری توسعه و افزایش تولید است و در واقع سرمایه‌گذاران کلان و مالکان کالاهای سرمایه‌ای مثل دستگاه، دکل حفاری یا پمپ‌های درون‌چاهی که به صورت اجاره‌ای یا موقت برای کارفرما کار می‌کنند بدون داشتن این پوشش انگیزه و اطمینان کافی برای سرمایه‌گذاری ندارند. زیرا همان‌گونه که از نام آن پیداست مربوط به عدم‌النفع یا ریسک سرمایه‌گذاری است و پوشش خوبی برای پیمانکاران خرد و کسانی که با ریسک‌های فنی مواجه‌اند نیست (همان).

ه) بیمه تخصصی نفت و گاز: بیمه‌نامه پوشش تخصصی نفت و گاز، عمدتاً در بخش فراساحل است که طی سال‌های گذشته توسعه یافته، تکمیل شده و نسخه‌های مختلفی پیدا کرده است و به حسب شرایط استفاده می‌شود. آنچه در ایران مورد توجه قرار گرفته ول‌کار

۲۰۰۱ است، اما نسخه‌های دیگر این بیمه‌نامه شامل ول‌کار ۲۰۰۷ و ۲۰۱۰ که کامل‌تر از نسخه‌های ۲۰۰۱ آن است نیز موجود است. خطرهایی که این بیمه‌نامه پوشش می‌دهد شامل تمام جنبه‌های این صنعت از جمله بیمه تمام خطر مقاطعه‌کاری و نصب تجهیزات و ... می‌شود، لذا هر شرکت بیمه‌ای به دلیل بعد فنی و تخصصی آن و سرمایه‌عظیمی که موردنیاز است قادر به ارائه آن نیست (همان: ۳۰).

و) بیمه مسئولیت عمومی (بیمه مسئولیت مدنی شخص ثالث): پیمانکار ممکن است سبب ایجاد خسارت به دیگران شود، آشکار است که پیمانکار در برابر ضرری که به دیگران وارد می‌کند مسئول است. مسئولیت وی در برابر زیان دیدگان ممکن است جنبه قراردادی، حرفه‌ای و مدنی داشته باشد (شیروی، ۱۳۹۲: ۳۸۹).

بیمه مسئولیت عمومی عمدتاً شامل خسارت وارده به سلامتی و اموال اشخاص ثالث است. این بیمه ممکن است خسارات وارد بر محیط‌زیست، سلامتی و آرامش عمومی را نیز پوشش دهد به شرط آنکه در بیمه‌نامه به چنین مواردی تصریح شده باشد (همو، ۱۳۹۱: ۳۹۳).

ز) بیمه پیمانکار نسبت به کارکنان خود: مسئولیت پیمانکار در قبال کارکنان خود ناشی از حوادثی است که به جهت قصور و اهمال پیمانکار به کارکنانش وارد می‌شود و پیمانکار مسئول جبران این خسارات است.

طبق ماده ۳۸ قانون تأمین اجتماعی ایران، کلیه پیمانکاران بایستی کارکنان خود را نزد سازمان بیمه تأمین اجتماعی بیمه کنند. بیمه تأمین اجتماعی تنها برخی از خطرهای پوشش می‌دهد بنابراین، لازم است سایر خطرهای نسبت به کارکنان نزد بیمه‌های تجاری بیمه شوند (همان: ۳۹۱). برای پوشش دادن سایر خطرهای پیمانکار بایستی قرارداد بیمه مسئولیت را جدا از بیمه تأمین اجتماعی با یک شرکت بیمه منعقد کند.

تمام شرکت‌های نفت و گاز تلاششان را می‌کنند که تا جای ممکن محیط امنی را برای کارکنانشان فراهم کنند، زیرا ایجاد امنیت و رفاه برای کارکنان علاوه بر اینکه از مسئولیت‌های قانونی، قراردادی یا حداقل اخلاقی آن‌هاست، از لازمه‌های اقتصادی و مدیریتی نیز به شمار می‌رود. زیرا ایجاد محیط امن برای کارگران و کارکنان سبب کاهش

وقفه در کار و اداره بهتر امور و ترویج جو حسن نیت و اعتماد خواهد شد (Osmundsen,) (2008: 137- 138).

ح) بیمه ریسک سیاسی: این بیمه هرچند به منزله بیمه ریسک سیاسی قلمداد می‌شود، اما در عمل می‌توان گفت انواع متنوع ریسک‌های بیرونی، شامل ریسک‌های سیاسی، قضایی، قانون‌گذاری و تجاری را پوشش می‌دهد. برای مثال، اکثر بیمه‌های ریسک‌های سیاسی مواردی از قبیل: ناممکن بودن تبدیل پول یا محدودیت‌های وارد بر انتقال پول و اعتبارات مالی، دسترسی نداشتن به نهادهای قضایی یا داوری را در کنار ریسک‌های مصادره مستقیم و غیرمستقیم سرمایه‌گذاری و ریسک‌های ناشی از شورش، انقلاب‌ها و جنگ را پوشش می‌دهند (دالزر، ۱۳۹۱: ۳۳۳).

مهم‌ترین نهاد بیمه‌گر ریسک‌های سیاسی آژانس بین‌المللی چندجانبه تضمین سرمایه‌گذاری است. در سال ۱۹۸۵ دولت‌های عضو بانک جهانی تصمیم گرفتند نهاد بین‌المللی آژانس چندجانبه تضمین سرمایه‌گذاری^۱ (میگا) را با هدف تضمین کردن ریسک‌های سیاسی در کشور جهان سوم که اغلب نظام سیاسی باثباتی نداشتند ایجاد کنند تا بدین سان سرمایه‌گذاران خارجی را به سرمایه‌گذاری در این کشورها ترغیب کنند (همان: ۳۳۰-۳۳۱). در نهایت این نهاد در سال ۱۹۸۸ تأسیس و واشنگتن به منزله مقر آن معین شد. این نهاد در سال ۱۹۹۰ فعالیتش را به طور رسمی آغاز کرد و در حال حاضر ۱۶۴ کشور از جمله جمهوری اسلامی ایران در آن عضویت دارند که بیانگر موفقیت این نهاد است. به جز این آژانس اغلب کشورها صندوق‌های بیمه و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی دارند که به منظور حمایت از سرمایه‌گذاران تابع این کشورها در مقابل ریسک‌های سیاسی موجود در کشورهای خارجی است که در آن سرمایه‌گذاری کرده‌اند. این مؤسسات ممکن است دولتی یا خصوصی باشند.

مبحث چهارم: منشأ و تعهد طرفین برای به کارگیری بیمه

شرکت ملی نفت و شرکت‌های وابسته آن به جز در مواردی که خود رأساً عملیات نفتی را به عهده می‌گیرند، ممکن است طی آیین‌نامه یا بخشنامه‌ای ملزم به استفاده از پوشش

1. Multilateral Investment Guarantee Agency (MIGA)

بیمه‌ای مورد نیاز باشند؛ بنابراین معمولاً با انعقاد قرارداد این عملیات را به پیمانکاران خصوصی داخلی و خارجی می‌سپارند.

پیمانکار به سه دلیل برای گرفتن بیمه اقدام می‌کند؛ مورد اول زمانی است که خود پیمانکار برای حفظ منافع و سرمایه آورده خود در پروژه اقدام به اتخاذ بیمه می‌کند. برای مثال، با توجه به خطرهای احتمالی پیشرو مانند انفجار، آتش‌سوزی و ... تجهیزات متعلق به خود را بیمه می‌کند. لذا این بیمه جنبه ارادی و کاملاً به اراده خود پیمانکار بستگی دارد.

مورد دوم، زمانی است که پیمانکار به طور قانونی ملزم به اتخاذ پوشش بیمه می‌شود. برای مثال، ماده ۳۸ تأمین اجتماعی که راجع به الزام بیمه کارکنان پیمانکار است و ماده ۱۳ قانون مسئولیت مدنی، که راجع به بیمه شخص ثالث است؛ بیانگر الزام قانونی پیمانکار به اتخاذ بیمه است که به اصطلاح به بیمه‌های قانونی^۱ معروف اند و مورد آخر زمانی است که پیمانکار براساس قرارداد منعقد شده میان خود و کارفرما ممکن است متعهد به اتخاذ پوشش بیمه‌ای شود. لذا منشأ این تعهد قراردادی است و حتی گاهی خود کارفرما ممکن است متعهد به پوشش بیمه مورد نیاز شود.

به طور معمول پیمانکار متعهد به اتخاذ پوشش بیمه‌ای است که جزو هزینه‌های غیرسرمایه‌ای وی محسوب می‌شود و در پایان پروژه بسته به اینکه بیمه از هزینه‌های سرمایه‌ای به حساب آمده باشد یا خیر، حق رجوع به کارفرما را برای وصول آن دارد. (برای مثال، در قراردادهای بیع متقابل ایران پیمانکار کلیه عملیات توسعه و تأمین هزینه‌های عملیاتی، سرمایه‌ای و غیرسرمایه‌ای را در مجموع تحت عنوان «هزینه‌های نفت» به عهده می‌گیرد. هزینه‌های غیرسرمایه‌ای شامل مالیات، هزینه تأمین اجتماعی، بیمه، گمرک و هزینه آموزش پرسنل ایرانی می‌شوند که با اتمام پروژه این هزینه‌ها از محل تولید نفت مستهلک می‌شوند) (صابر، ۱۳۹۲: ۱۵۳).

اما به دلیل جنبه قراردادی، شناخت اینکه پیمانکار نسبت به اتخاذ پوشش بیمه چه تعهداتی دارد نیازمند بررسی قراردادهای نفتی موجود است که در آن بیمه به منزله یکی از

تعهدات پیمانکار ذکر شده است که با بررسی این قراردادها نکات کلیدی و مشترکی به چشم می‌خورد که بیانگر دغدغه مشترک و اساسی تمام کارفرمایان در قراردادهای نفتی در ایران و کشورهای دیگر است.

الف) معقولیت نرخ بیمه اتخاذی: هزینه و حق بیمه پرداختی باید با رویه بازارهای بیمه جهانی مطابقت داشته و حق بیمه باید هزینه قابل وصول باشد. برای مثال، در قرارداد میدان نفتی درود مقرر شده است: پیمانکار پوشش بیمه‌ای را به نرخ‌های رقابتی و در راستای عرف و رویه صنعتی بین‌المللی نفت فراهم خواهد آورد. همچنین، در نمونه قراردادهای مشارکت در تولید ترکمنستان آمده است: نرخ بیمه نباید فراتر از بازار جهانی بیمه باشد.

بنابراین، پیمانکار نمی‌تواند با اتخاذ پوشش‌هایی با هزینه‌های کلان آن را به کارفرما تحمیل کند، زیرا همان‌گونه که پیش‌تر هم اشاره شد هزینه بیمه جزو هزینه‌های غیرسرمایه‌ای پیمانکار است که در پایان پروژه حق رجوع به پیمانکار برای وصول آن را دارد.

ب) تصویب بیمه‌نامه از سوی کمیته مشترک مدیریت: این کمیته که متشکل از نمایندگان کارفرما و پیمانکار است در راستای وفاق و همکاری پیمانکار و کارفرما و حل اختلافات و رسیدن به راهکارهای مشترک ایجاد شده و از جمله وظایفش این است که باید پوشش بیمه‌ها را تصویب کند. برای مثال، در قراردادهای خدماتی توسعه و تولید عراق^۱ در ماده ۵-۲۴ مقرر می‌دارد که پیمانکار یا مجری طرح باید پوشش بیمه‌ای را اتخاذ کند که مورد تأیید کمیته مشترک مدیریت باشد. همچنین، اگر پوشش دیگری را هم مورد نیاز دیدند، پیمانکار باید آن را لحاظ کند. کارکرد دیگر این کمیته پیرامون مورد بیمه، مربوط به معقولیت نرخ بیمه است که می‌تواند بیمه‌ای را که هزینه نامتعارف به کارفرما تحمیل می‌کند تصویب نکند. برای مثال، در قرارداد مشارکتی آذربایجان مقرر شده است: اگر کمیته مشترک مدیریت بیمه دیگری را جزو پوشش اتخاذشده لازم بداند، پیمانکار باید آن را خریداری کند.

ج) ذکر کارفرما به منزله ذی‌نفع: برای مثال، در ماده ۱۶ شرایط عمومی پیمان آمده است در بیمه‌نامه‌ها جزء در خصوص کارکنان، ماشین‌آلات و تأسیسات متعلق به پیمانکار باید نام کارفرما به منزله ذی‌نفع ذکر شود. همچنین، جایی که کارفرما ذی‌نفع است مبالغ پرداختی شرکت بیمه باید به حساب کارفرما واریز شود.

د) آزادی مشروط پیمانکار در انتخاب بیمه‌گر: در قرارداد بین شرکت ملی ایران و شرکت ایتالیایی آجیب میناریا، این شرکت ایتالیایی در انتخاب بیمه‌گر آزاد است. همچنین، این نکته در قرارداد های آذربایجان و ترکمنستان نیز با لحاظ قیودی که پیش‌تر ذکر شد، مانند تصویب بیمه از سوی کمیته مدیریت و معقول‌بودن نرخ بیمه ... وجود دارد.

اما این مسئله در ایران با دو قید مواجه است:

یکی آنکه در قرارداد ساخت، مهندسی و تجهیزات و قرارداد درود آمده است باید مؤسسه بیمه را کارفرما تأیید کند و دوم راجع به شرکت های بیمه خارجی است که با محدودیت قانونی مواجه است، چنانکه طبق قانون حداکثر استفاده از توان مهندسی، تولیدی و اجرایی کشور در اجرای پروژه‌ها و ایجاد تسهیلات به منظور صدور خدمات مصوب ۱۳۷۵، شرکت ملی موظف است هرچه بیشتر از توان فنی، مهندسی و خدماتی کشور استفاده کند.

از سوی دیگر طبق ماده ۳۰ قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری مصوب ۱۳۵۰ و اصلاحات بعدی آن؛ وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی موظف‌اند بیمه‌های خود را منحصراً در شرکت سهامی بیمه ایران انجام دهند مگر اینکه مجمع عمومی این مؤسسات تصمیم دیگری اتخاذ کند. لذا شرکت‌ها حق مراجع مستقیم به بیمه‌گران خارجی را ندارند و اگر پوشش بیمه‌ای داخلی کافی نبود، از طریق بیمه‌های اتکایی این نقصان رفع می‌شود. بیمه اتکایی زمانی صورت می‌گیرد که شرکت بیمه داخلی توانایی پوشش ریسک‌های بزرگ را نداشته باشد و بنابراین کل یا بخشی از تعهدات بیمه‌ای خود را در قبال پرداخت حق بیمه به شرکت بیمه بین‌المللی واگذار می‌کند. در بیمه اتکایی، بیمه‌گر اصلی در مقابل بیمه‌گزار مسئول پرداخت خسارت است، اما می‌تواند طبق مفاد بیمه اتکایی برای دریافت کل یا بخشی از آن به بیمه‌گر اتکایی رجوع کند (شیروی، ۱۳۹۱: ۳۶۹). واضح است که شرکت

بیمه‌گر اتکایی بایستی یک شرکت معتبر بین‌المللی و دارای رتبه و درجه مشخص و قابل قبول باشد، زیرا توقعی که از یک شرکت بیمه‌گر اتکایی می‌رود این است که در صورت ورود خسارت‌های کلان از عهده جبران چنین خسارت‌هایی برآید و توانایی پرداخت مبلغ آن را داشته باشد. در غیر این صورت فلسفه و چرایی انعقاد در مدل قراردادهای عراق نیز محدودیت‌های نسبی وجود دارد. در ماده ۶-۲۴ این نمونه قراردادی آمده است که در درجه نخست پیمانکار بایستی به بیمه‌های عراقی یا خارجی که در عراق فعالیت می‌کنند رجوع کند، اما اگر چنان بیمه قوی که ریسک‌های موردنظر را پوشش دهد داخل پیدا نشود پیمانکار می‌تواند با شرکت‌های بین‌المللی بیمه قرارداد بیمه منعقد کند.

ه) ذکر مدت زمانی که بیمه‌نامه باید اعتبار داشته باشد: مدت اعتبار بیمه‌نامه به مدت زمان انجام پروژه و عملیات مختلف آن در هر بخش بستگی دارد. در این مورد معمولاً تا واگذاری موقت پروژه باید بیمه‌نامه اعتبار داشته باشد. البته معمولاً بیمه‌نامه یک‌ساله منعقد و تا پایان پروژه تمدید می‌شود.

و) ضمانت اجرای عدم ایفای تعهد پیمانکار راجع به اتخاذ بیمه: در این مورد ضمانت اجرایی که می‌تواند مطرح شود انجام تعهد از جانب کارفرما و به حساب پیمانکار است. برای مثال، در قراردادهای ساخت، مهندسی و تجهیزات اگر پیمانکار به تعهد خود پیرامون اتخاذ بیمه عمل نکند یا برای تمدید آن اقدام نکند، کارفرما می‌تواند به حساب پیمانکار اقدام کند.

ز) تعهد پیمانکاران فرعی: در پروژه‌های نفت و گاز ممکن است چند پیمانکار فرعی^۱ نیز مشغول به فعالیت باشند حتی ممکن است پیمانکار اصلی که برای مثال یک آی.سی.سی^۲ معتبر باشد، صرفاً مدیریت کند و عملیات را پیمانکاران فرعی انجام دهند. در چنین حالتی تعهد پیمانکار فرعی به بیمه بسیار اهمیت دارد، زیرا پیمانکار فرعی به طور مستقیم با فعالیت‌هایی که صورت می‌گیرد در ارتباط است و ممکن است خساراتی در خصوص فعالیت‌ها و خدماتش وارد شود. از همین رو معمولاً در قراردادهای نفت و گاز در کنار متعهد کردن پیمانکار اصلی به بیمه کردن مخاطرات پیمانکاران فرعی نیز به این مهم

1. sub contractor
2. International Oil Company (IOC)

متعهد می‌شوند. برای مثال، در مدل قراردادهای عراق در قسمت آخر ماده ۵-۲۴ و در مدل قراردادهای مشارکت در تولید ترکمنستان در ماده ۳-۳۰ پیمانکار اصلی متعهد شده است که پیمانکاران فرعی خود را به بیمه کردن مخاطرات مربوط به فعالیت‌هایشان ملزم کند.

نتیجه‌گیری

امروزه اهمیت بیمه در تمامی صنایع و سرمایه‌گذاری‌ها واضح و آشکار است. در صنعت نفت و گاز به دلیل وجود ریسک‌های فراوان و حساس بودن عملیات به خصوص در بخش بالادستی این صنعت نقش بیمه ضرورت بیشتری می‌یابد. برای همین در قراردادهای سرمایه‌گذاری یا پیمانکاری که در این زمینه منعقد می‌شود بایستی حتماً تعهدات مربوط به بیمه انواع مخاطرات موجود مورد نظر قرار گیرد و طرفین ریسک‌هایی که منافعشان را تهدید می‌کند پوشش دهند، لذا بایستی مخاطرات طبیعی و اقتصادی پیش‌رو را شناسایی کنند و پوشش بیمه‌ای متناسب با آن را در قرارداد بگنجانند، زیرا در صورت بروز حادثه از یک سو شرکت ملی نفت که پاسدار منافع عمومی است و از سوی دیگر پیمانکار که مسئولیت پیشرفت و تکمیل پروژه را بر عهده دارد، آسودگی خاطر بیشتری خواهد داشت. در واقع بیمه هر دو طرف را آسوده خاطر می‌کند، زیرا مخاطرات موجود صرفاً یک طرف قرارداد را تهدید نمی‌کند و هر دو طرف در معرض خسران و ضرر قرار دارند.

مخاطرات و ریسک‌های موجود در صنعت نفت و گاز بسیار متنوع‌اند، لذا می‌توان چنانکه در متن توضیح داده شد آن‌ها را به درونی و بیرونی تقسیم کرد. این ریسک‌ها در طیف‌های وسیعی از جمله ریسک‌هایی مانند از دست رفتن مخزن، انفجارها، از دست دادن تجهیزات مانند تجهیزات سرچاه، آلودگی‌های زیست‌محیطی، آسیب‌ها و خسارات جانی که ممکن است به کارکنان یا اشخاص ثالث وارد شود و ریسک‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مانند ملی‌سازی و مصادره که پیمانکار و سرمایه‌گذارش را تهدید می‌کند، قرار می‌گیرند. در بیمه‌هایی که در حال حاضر در صنعت نفت و گاز صورت می‌گیرد بیشتر تمرکز بر ریسک‌های درونی پروژه است و از این ریسک‌ها بعضی آنقدر سنگین است که عملاً غیر قابل بیمه‌اند. برای مثال، از دست رفتن یک مخزن یا آلودگی شدید دریاها

آن چنان خسارت بالایی به بار می‌آورد که بیمه کردن چنان مخاطراتی از عهده شرکت‌های بیمه‌گر خارج است، اما بیمه کردن تجهیزات، نفت‌کش‌ها، دکل‌های حفاری، کارکنان و اشخاص ثالث رایج است. همچنین، پوشش‌های بیمه‌ای مانند بیمه میگا که برای ریسک‌های سیاسی در نظر گرفته می‌شوند، در صنعت نفت و گاز کمتر رخ می‌دهد. در واقع پیمانکاران ترجیح می‌دهند در قبال چنین ریسک‌هایی به نرخ بازگشت سرمایه^۱ یا اجرت^۲ خود بیفزایند.

منشأ و مبنای پیمانکار برای انعقاد انواع بیمه می‌تواند خودخواسته و برای تضمین سرمایه گذاری خودش یا منشأ قانونی داشته باشد، مانند الزام قانونی ناشی از قانون تأمین اجتماعی برای بیمه کردن کارکنان. منشأ دیگر خود قرارداد است، عمده بیمه‌هایی که پیمانکار و پیمانکاران فرعی ملزم به آن‌ها هستند ناشی از قرارداد و تعهد آن‌ها در بطن قرارداد نفتی منعقد شده، است.

در این قراردادها معمولاً ذیل چند ماده تعهدات پیمانکار و پیمانکاران فرعی در خصوص بیمه کردن حوزه‌های مختلف فعالیتشان، از تجهیزات گرفته تا مسئولیت در قبال اشخاص ثالث و آلودگی‌های محیط‌زیست مورد تصریح و تأکید قرار می‌گیرند و پیمانکاران متعهد به انعقاد قرارداد بیمه با نرخ معقول‌اند. در اکثر موارد پیمانکار در درجه اول بایستی به بیمه‌گران داخلی تا جای ممکن رجوع کند، اما در صورت فقدان یا بی‌کفایتی این بیمه‌گران می‌توانند به شرکت‌های بیمه خارجی مراجعه کنند. در ایران به جهت قوانین، پیمانکاران موظف‌اند به بیمه داخلی رجوع کنند و در صورت عدم تکافو از راهکار بیمه اتکایی استفاده می‌شود. یعنی شرکت بیمه داخلی بر مبنای اتکای بیمه‌نامه‌ای که منعقد کرده است با یک شرکت بیمه معتبر بین‌المللی قرارداد بیمه‌ای منعقد می‌کند که در صورت بروز حادثه و خسارت در پروژه‌ای که بیمه کرده است؛ خسارات را بیمه‌گر اتکایی، یعنی شرکت بیمه بین‌المللی، به شرکت بیمه داخلی پرداخت کند و شرکت بیمه داخلی نیز به زیان دیده پرداخت خواهد کرد.

1. Rate of return

2. Fee

منابع

۱. امانی، مسعود (۱۳۸۹)، *حقوق قراردادهای بین‌المللی نفت*، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۲. بابایی، ایرج (۱۳۸۸)، *حقوق بیمه*، تهران، انتشارات سمت.
۳. پدرام، متین (۱۳۹۲)، *نفت بی‌خطر*، تهران، انتشارات دنیای اقتصاد.
۴. پیکارجو، کامبیز (۱۳۷۸)، «لزوم گسترش بیمه‌های تخصصی در کشور»، *نشریه مدیریت پژوهشگاه بیمه*، شماره ۵۴.
۵. پیکارجو، کامبیز (۱۳۸۲)، «بررسی بیمه‌های نفت و گاز فلات قاره در مرحله اکتشاف نفت»، *نشریه تازه‌های جهان بیمه*، شماره ۵۹.
۶. حسن‌زاده، علی و رسول کاظمی (۱۳۸۳)، «مدیریت ریسک در پروژه‌های سرمایه‌گذاری زیربنایی»، *فصلنامه صنعت بیمه*، سال نوزدهم؛ شماره ۳.
۷. دالزر، رودلف و کریستف شروتر (۱۳۹۱)، *اصول حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری*، ترجمه سیدقاسم زمانی و به آذین حسینی، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۸. راعی، رضا و علی سعیدی (۱۳۸۷)، *مبانی مهندسی مالی و مدیریت ریسک*، تهران، انتشارات سمت.
۹. ساکی‌زاده، مجتبی (۱۳۹۲)، «لزوم تعامل مؤثرتر بیمه با صنعت نفت و گاز»، *ماهنامه علمی-ترویجی اکتشاف و تولید نفت و گاز*، شماره ۱۰۴.
۱۰. شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۱)، *حقوق تجارت بین‌الملل*، تهران، انتشارات سمت.
۱۱. صابر، محمدرضا (۱۳۹۲)، *بیع متقابل در صنعت بالادستی نفت*، تهران، نشر دادگستر.
۱۲. عباس‌زاده، حسن (۱۳۸۶)، «مدیریت ریسک در قراردادهای ساخت، بهره‌برداری و انتقال»، *نشریه تازه‌های اقتصاد*، شماره ۱۱۵.
۱۳. علیدوستی، ناصر (۱۳۸۸)، «منافع ملی در پرتو قوانین موافقت‌نامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری خارجی»، *مجله مطالعات راهبردی*، شماره ۴۳.

14. AMENDOLA, Y. ERMOLIEV, T. Y. ERMOLIEVA, V. GITIS, G. KOFF, and J. LINNEROOTH-BAYER(2000), “A Systems Approach to Modeling Catastrophic Risk and Insurability “**Natural Hazards**,21: pp.381–393
15. Gollier, Christain (1997), “About The Insurability Of Catastrophic Risks “ , **The Geneva Papers On Risk and Insurance**, 22 (No. 83) pp. 177- 186
16. KUNREUTHER, Howard C. and ERWANN O. MICHEL-KERJAN (2007), “ Climate Change, Insurability Of Large Scale Disasters, And The Emerging Liability Challenge “, **UNIVERSITY OF PENNSYLVANIA LAW REVIEW**, [Vol. 155: pp.1795- 1842]
17. He Zhi (1995), ”Risk Management For Overseas Construction Projects”, **International Journal of Project Management**, Vol. 13, No. 4, 231-237
18. Mayeda, Graham (2007),” Playing Fair: The meaning of Fair and Equitable Treatment in Bilateral Investment Treaties”, **Journal of World Trade 41(2) Kluwer Law International**, 273- 291
19. Peter Osmundsen, TerjeAven and Jan Erik Vinnem (2008), “Safety, Economic Incentives and Insurance in the Norwegian Petroleum industry”, **Reliability Engineering and System Safety** 93, 137- 143

قراردادهای نمونه نفت و گاز

20. Agreement on The Exploration, Development and Production Sharing for Shah Deniz Prospective Area in Azerbaijan Sector of The Caspian Sea between The State oil Company of Azerbaijan Republic and Socar Commercial Affiliate, BP Exploration (Azerbaijan) Limited, ELF Petroleum Azerbaijan B.V. LUKOIL International LTD, Oil Industries Engineering and Construction, Statoil Azerbaijan A.S, and Turkish Petroleum Overseas Company
21. Development and Production Service Contract Model for The Contract area of Iraq Republic
22. Model Production Sharing agreement For Petroleum Exploration and Production in Turkmenistan